

پرده نقره‌ای

باسی ونهمین جشنواره بین المللی فیلم فجر-۷

فیلم هایی که به دل نمی چسبند



علیرضا بخشی استوار

هفتمین روز از جشنواره فیلم فجر در برج میلاد بانمایشش دو فیلم «خط فرضی» و «گیج گاه» گذشت.فرونش صمدی وعادل تبریزی هر دو فیلم اولی بودند که آثارشان برای اهالی رسانه اکران شد.



خط فرضی

«خط فرضی» فیلمی هنر و تجربه ای بود. با ساختاری شبیه به فیلم هایی که طی چندسال اخیر در این گروه سینمایی به نمایش درمی آید. «خط فرضی» فضایی سرد و تلخ دارد. قصه اش مخاطب را به شدت تلخ کام می کند و این مسئله باعث می شود مخاطب از همان یک سوم اول فیلم باجهان فیلم فاصله بگیرد.فیلمی که پایان تلخ تری دارد.اگرچه تمهیدات نویسنده و درام فیلم نقصی ندارد.اما فضایی که صمدی در رقم زدن آن تلاش کرده فضایی است که لاقال به دلیل تکرار بیش از اندازه در سینمای ایران از معنا خالی شده است. فیلمی با حال و هوای فیلم های پنهان بهزادی که به مشکلات طبقه متوسط می پردازد و پیرامون آن ها قصه ای رقم می زند.فضاهای فیلم به واسطه طراحی صحنه به شدت سرد است و این سرما تلخی فیلم را دوچندان می کند.این معضل که گریبان سینمای ایران را گرفته است مخاطب را در شرایطی قرار می دهد که امکان ورود به جهان فیلم را پیدا نمی کند. بالاین اتفاق اگر یک فیلم از لحاظ طراحی صحنه، لباس، فیلمبرداری و بازی بازگرنانش عالی هم باشد به خوبی دیده نمی شود. این جهان به تکرار افتاده در سینمای ما تبدیل به کلیشه ای موفق شده برای افرادی که باهدف گرفتن جایزه در جشنواره های خارجی فیلم می سازند.از سوی دیگر بازی بازیگران در این فیلم هم چشمگیر نیست و توانایی بازی هایی که پیش از این از آنها دیده ایم ندارد. چه سحر دولتشاهی، چه پژمان جمشیدی و چه آریتا حاجیان و حسن پور شیرازی. همه تصویرهایی تکراری را به نمایش درمی آورندو این هم خود یکی از مضضلات جدید سینمای ایران است که توانایی معرفی چهره ندارد.



گیج گاه

اما «گیج گاه» فیلمی است با حال و هوای دهه های ۶۰ و ۷۰ سینمای ایران. فیلمی که تلاش کرده همه آن آلمان ها را بنا کند تا در جهان دهه ۶۰ و آن حال و هوا تاثیر سینما بر زندگی مردم را درک کنیم.او در ایجاد صحنه های نوستالژیک با کیفیت عمل می کند اما همانگونه که از ابتدا در تبلیغات فیلم اعلام کرده بود تنها توانسته تصویری از حال وهوایی را به وجود بیاورد که دیگر نیست.او در ایجاد یک روایت دراماتیک دچار لکنت است چون مسئله اصلی اش که ادای دین به سینمای دهه ۶۰ است بر خود قصه سوار شده و روایت ضمنی بر روایت اصلی ارجح است.او تلاش کرده تا از ساختن کمدی فاصله بگیرد اما اساساً فیلمی کمدی ساخته است. نقطه ضعف اصلی فیلم او حضور بازیگرانی مثل باران کوثری وامیر حسین رستمی است. بازیگرانی که کیفیت تازه ای برای نمایش دادن به تماشاگران ندارند. بازیگرانی که به دلیل سطح پایین بازی خود این فیلم را به یک فیلم تلویزیونی برای جمعه عصر تقلیل داده اند. حضور کوتاه سه بازیگر مشهور دهه ۶۰ یعنی جمشید هاشم پور، حسن رضایی و رضا صفایی پور در فیلم یکی از نقاط جذاب این بود که البته فراتر از خاطر بازی نرفت. این فیلم تنها حس و حال و فضا ایجاد کرد و هیچ اتفاقی در گنه قضیه رخ نداد. این فیلم فقط می توانست حال مخاطبی را که در این روزها فیلم تلخ زیاد دیده، برای لحظاتی عوض کند.

تحلیل نقاشی و یا به طور کلی هنرهای تجسمی با هدف ارقای سواد و درک بصری جامعه در کنار نقد آثار متاخر هنرمندان برای درک نسبی از ماهیت یک اثر، به هر هنر جوو هنرمندی کمک خواهد کرد تا بیش از گرته برداری و تقلید به «ترکیب» و «تبدیل» فکر کند.

هنرمندی کمک خواهد کرد تا بیش از گرته برداری و تقلید به «ترکیب» و «تبدیل» فکر کند. ترکیب شیوه ها برای دستیابی به فرم های نوین و تبدیل امکانات و ابزارهای هنرهای تجسمی به آثاری ماندگار و موثر، نگرانی به همراه جدیت در مطالعه و تحقیق برای یافتن راه هایی جهت پر کردن خلاها و رفع نارسایی های آموزش هنر نقاشی، به همراه بررسی و پژوهش در زمینه خلق آثار معاصر و قیاس آن با سایر جوامع در کنار بازنگری در شیوه های آموزشی و پرورشی هنر، در گام نخست مدرسان را برای ارائه راهکارهای نوین تعلیم و متاسب با شرایط فرهنگی واجتماعی ملزم کرده و در مرحله بعد دانشجویان و هنرجویان را به تکاپو و کسب و تعلم ماهیت هنر ترغیب خواهد کرد.

*پژوهشگر ومدرس هنر

کودکان و نوجوانان را در سنینی که آمادگی رشد و شکوفایی هنرآموزی و هنرآفرینی در آنها بیش از سایر سنین است ناامید و سرخورده ساخته و در کنار آن باعث می شود که علاقمندان این عرصه خارج از دایره نظام آموزش رسمی و استاندارد برای یادگیری به اساتید و آموزشگاه هایی پناه ببرند که در بیشتر موارد واجد بضاعتی در حد آموزش تکنیک و فن نقاشی بوده و به دلیل نداشتن مطالعات عمیق جانبی در زمینه های تاریخ تحلیلی هنر و یا فلسفه هنر... نمی توانند هنرجویان را به سمت ایده یابی و یاخلاقیت های سبکی رهنمون شوند.

در این بین نارسایی رسانه های دیداری، به ویژه تلویزیون و پس از آن سینما در تولید و ارائه آثاری هنرمندانه با ویژگی های زیبایی شناختی و تاثیرگذار بصری، ذائقه عموم جامعه را در حد پذیرش تصاویر تبلیغاتی سطحی تقلیل داده و سلاقی را از هر گونه دانش بصری میرا ساخته است. این ها را می توان در میلمان شهری و حتی پوشش عمومی مردم که در بیشتر موارد عاری از رنگ ها و تناسب ها و یا کنتراست های دیداری ست، مشاهده کرد. تحلیل نقاشی و یا به طور کلی هنرهای تجسمی با هدف ارقای سواد و درک بصری جامعه در کنار نقد آثار متاخر هنرمندان برای درک نسبی از ماهیت یک اثر و بهره گیری از شیوه ها و متدهای به کار رفته در مسیر آفرینش، به هر هنر جوو



تکنیکی باقی می مانند. از همین رو است که از اینگونه هنرجویان دیگر نمی توان انتظاری و رای تقلیدهای عامیانه و نسخه برداری های سطحی از سایر آثار داشت. متأسفانه عدم اهتمام سیستم آموزشی مدارس کشور به هنر و به ویژه اصول هنر نقاشی در هر سبک و سیاقی،

همه این سوالات، دغدغه واقعی هنرجویان وعلاقمندان به هنر نقاشی و حتی سایر هنر هاست. اما به دلیل درک کمبودهای موجود در ساختارهای آموزشی هنر، بیشتر هنرجویان هنر نقاشی اغلب از بیان و ابزار آن خودداری کرده و به وضعیت موجود قانع می شوند و در سطح آموزش فنون و مهارت های

آفرینش خلاقانه آن را درک کرد؟ چگونه می توان بر نحوه شکل گیری سبک ها و نخله های هنر نقاشی پی برد؟ و در نهایت چگونه بیاموزیم که ایده ها واحساسات و اندیشه هایمان را که در واقع اموری انتزاعی هستند به تجسم درآورده و در این تجسم، اثری هنرمندانه بیافرینیم؟

شهرام زعفرانلو*

چطور می توان با یک تابلوی نقاشی ارتباط برقرار کرد؟ چطور می توان اجزای آن را به تفکیک بازشناخت و ویژگی های هر یک را در تعامل با دیگری به دست آورد؟ چگونه می توان با تجزیه و تحلیل نقاشی، روند

تجسمی

۶۷ هنرمند در بخش ستارگان جهانی جشنواره تجسمی فجر

این آثار در شش رشته عکاسی، تصویرسازی، کاریکاتور، نقاشی، خوشنویسی و نگارگری است و برگزیدگانی از رویدادهای هنری چون جشنواره بین المللی شارجه، جشنواره ON AGING، جشنواره بین المللی قریزستان DHILHARMONIA، کسب جایزه ویژه نهایی جشنواره طنزنگاری سبکاکو کره جنوبی ۲۰۲۰، برگزیده جشنواره انقلاب هنر تاییه ۲۰۲۱ تاپاون، جشنواره بین المللی زیتون بورتو ترکیه ۲۰۲۰.... هستند.

امسال به دلیل رعایت پروتکل های بهداشتی و جلوگیری از

سیزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر طی تشریفات رسمی از ابتدای هفته جاری آغاز به کار کرده است. در این جشنواره بخش «ستارگان جهانی هنر ایران» شامل آثار هنرمندانی که طی سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ خارج از ایران در دوسالانه هاو جشنواره ها جایزه گرفته اند جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است.

گفتمنی است تا موعود مقرر ۱۶۷ اثر از ۶۷ هنرمند که در دو سال گذشته میلادی در جشنواره ها و دوسالانه های هنری دنیا حضور موفق داشتند به دبیر خانه رسید که در بخش ستارگان جشنواره به روی دیوار خواهد رفت.

موسیقی



آیین بزرگداشت محمدرضا اسحاقی گرجی، زنده یاد احمدعلی راغب، ملیحه سعیدی و حسن ناهید در اختتامیه سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر برگزار می شود.

به گزارش روابط عمومی سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر، محمدرضا اسحاقی گرجی متولد ۱۳۲۶ در روستای گرجی محله بهشهر نوازنده دو تار گرجی و

خواننده و روایتگر خنیاگری مازندران است. در سالیان پرپرکت فعالیت استاد اسحاقی، آلبوم های رسمی نیز به بازار آمده است تا گوش مردم را در دیگر شهرها، به ملودی های ناب و کمتر شنیده شده مازندرانی آشنا کند. آلبوم های موسیقی «حماسی»، «عاشقانه ها»، «شبی به نغمه و نوا» و «زلف شه» «آیینی (منظومه های روایی تبری)»، «سوز گلام» و «تی تی کاک» تعدادی از آثار منتشر شده ایشان را شامل می شود.

زنده یاد احمدعلی راغب نیز در سال ۱۳۲۳ در بندرانلی متولد شد. او به تشویق والدینش به نواختن ساز تار و عود روی آورد و در اوایل جوانی به

بزرگداشت چهار هنرمند در سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر

این نتیجه رسید که استعداد زبادی در آهنگسازی دارد و نخستین قطعات خود را با الهام از قطعات فولکلوریک گیلانی ساخته و پرداخته کرد.

بخش درخشانی از فعالیت های احمدعلی راغب به سال ۵۷ و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی برمی گردد. سرودهایی که به صورت زیرزمینی ضبط و تکثیر می شد و نقش به سزایی در تهییج مردم برای رسیدن به هدف داشت. سرودهایی مانند: معلم شهید، بابا خون داد، خیر مقدم و نیز بانگ آزادی، شهید مطهر، آمریکا آمریکاننگ به نیرنگ تو، شهید مفتح، جنگ جنگ تا پیروزی، این پیروزی خجسته بادو...

اثرگذاری فعالیت های خستگی ناپذیر استاد

احمدعلی راغب تا همواره بر تارک موسیقی حماسی ایران می درخشد. ملیحه سعیدی متولد ۱۳۲۷ در تهران به دنیا آمد. در راستای کوشش های آموزشی و پژوهشی چندین کتاب به همت استاد سعیدی در زمینه تاریخچه ساز قانون و همچنین آموزش این ساز به جامعه موسیقی ایران تقدیم شده است. استاد سعیدی از زمان الفت گرفتن با ساز قانون، همواره در راستای احیای سبک ایرانی نوازندگی این ساز، گام برداشته است. نوازندگی اورنگ و بوی کاملاً ایرانی دارد که وجه تمایز تمام آثار ایشان است. وی مبدع نواختن ده انگشتی و مؤلف و تنظیم کننده ردیف موسیقی ایرانی برای ساز

قانون است. و در آخر، حسن ناهید نوازنده سرشناس نی سال ۱۳۲۲ در کرمان به دنیا آمد. استاد حسن ناهید سنستاره ی پر فروغ در آسمان موسیقی ایران، نوازنده ساز خوش نوای «نی» و از موافق ترین یاران استاد فرامرز پایور است که خدمات بی پایانی به موسیقی ملی ما داشته اند. وی یکی از درخشان ترین چهره های هنری صد سال اخیر در ایران است. سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر در بخش های رقابتی و غیر رقابتی ۲۸ بهمن تا سوم اسفندماه برگزار می شود و جایزه ترانه، جایزه موسیقی و رسانه و نشست های پژوهشی برنامه های دیگر این دوره جشنواره است.

ایرنا عنوان کرد:مجموع اسناد نگارشی، موادومصالح ساخت بنا، موتیف های به کاررفته در تزئین نمای بنا، تاریخ گذاری کربن ۱۴ وجنبه های تقدس و تشریف به این دروازه نشان می دهد که این بنا پس از سال ۵۳۹ قبل از میلادو به افتخار فتح بابل به دستور کوروش بزرگ ساخته شده است.

استاد دانشگاه شیراز افزود: فرزند کوروش بزرگ همزمان با حکومت پدر در شهر بابل به مدت هشت سال فرمانروا بودو در سال ۵۲۹ قبل از میلاد به پادشاهی ایران رسید. وی با اشاره به اینکه کوروش هخامنشی به دلیل اهمیت مذهبی و فتح مهمترین شهر دنیای باستان، بابل، دستور ساخت این دروازه را صادر کرده است، ادامه داد: کمیوجیه فرزندش، به دلیل علاقه به شهر بابل، آشنایی در پرنه با بابلی ها و پیوند فرهنگی جهان باستان کار ساخت مجموعه بزرگ معماری شهر پارسه به سبک معماری بابلی را ادامه داد و در دوره وی دروازه پردیس شهر پارسه در بخش فیروزی این شهر به بهره برداری رسید.



حیوانات اسطوره ای، نمادها و سمبل های اعتقادی ایران باستان، هخامنشیان، عیلامیان و اهالی بین النهرین بوده است؛ مهم تر اینکه در اتاق مرگزی کتیبه هایی به خط و نگارش بابلی وعیلامی وجود داشته است. علیرضا عسکری چاوردی، باستان شناس و سرپرست ایرانی هیات کاوش تل آجری پارسه در گفت وگو با

در پی یک کشف باستان شناسی و در حوالی تخت جمشید؛

دروازه کوروش کبیر سر از خاک بیرون آورد

دروازه کشف شده در محوطه تل آجری واقع در سه کیلومتری شمال غرب تختهگاه تخت جمشید قرار دارد. این دروازه بنایی به ابعاد ۳۰ در ۴۰ متر به ارتفاع تقریبی ۱۲ متر بوده است. بنادارای کردپوری در مرکز بوده که آن را اتاقی مستطیل شکل به ابعاد هشت در ۱۲ متر تشکیل می داده است و در دورن این اتاق مرکز چهار صندلی نشیمن وجود داشته است. راهروی مرگزی از دو طرف به سوی پردیس هخامنشی باز می شده است. این دروازه از مواد و مصالح خشت و آجر بنا شده است و سرتاسر نمای داخلی و بیرونی آن مزین به آجرهای رنگین بوده است. بخش پایین و ازاره دیوارها مزین به گل های لوتوس، بدنه و نمای دیوارها مزین به انواع پنل های رنگین از

هیات مشترک ایرانی ایتالیایی پس از ۱۰ سال و در آخرین فصل از کاوش های باستان شناسی، موفق شدند اثبات کنند کوروش بنیانگذار حکومت هخامنشی، فرمان ساخت دروازه پردیس پارسه را صادر کرده و این دروازه باشکوه در دوره فرزندش کمبوجیه به بهره برداری رسیده است. به گزارش ایرنا، هیات باستان شناسی مشترک ایرانی-ایتالیایی به سرپرستی مشترک پی یروفرانچسکو کالیری از دانشگاه بولونیا و علیرضا عسکری چاوردی از دانشگاه شیراز از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ طی ۱۰ فصل کاوش باستان شناسی مجموعه اسنادومدارک گسترده باستان شناسی از این محوطه کشف کردند.